

جرم کلاهبرداری در حقوق ایران

دکتر محمد جعفر حبیب‌زاده
استادیار دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

کلاهبرداری بردن مال غیر با توسل به وسایل متقلبانه است و به لحاظ تسلط بر مال غیر با سرقت و خیانت در امانت مشابه است، لیکن دارای خصوصیات ویژه‌ای است که آن را از جرائم مذکور جدا می‌کند. از جمله به کاربردن وسیله متقلبانه، اغفال مالباخته و تسلیم مال از طرف او به کلاهبردار ویزگی خاص کلاهبرداری است که در سایر جرائم وجود ندارد. به لحاظ این که جرم مذکور از طرق مختلف واقع می‌شود، تحولات اجتماعی در تغییر چهره های مختلف کلاهبرداری نقش مؤثر و مستقیم دارد و لازم است در بررسی این جرم به نکات مذکور توجه بیشتری شود تا هم حقوق متهمین حفظ شود و هم کلاهبرداران با اغفال مخاطبین خود اموال آنها را به یغما نبرند.

مقدمه:

کلاهبرداری واژه‌ای فارسی مرکب از دو جزء (کلاه) و (برداری) است که معادل فرانسوی آن (escroquerie)^(۱) و عربی آن (احتيال)^(۲) یا (نصب) است و در زبان انگلیسی در مقابل مفهوم مذکور واژه‌های Swindling, cheat, Fraud استعمال شده است لیکن واقعیت این است که در انگلیسی آن چه بیشتر در برابر کلاهبرداری به کار

می‌رود عبارت (Property by obtaining deception) (که مصادیق متعددی در ذیل عنوان مذکور مورد بررسی قرار می‌گیرد)^(۳) از نظر اصطلاحی کلاهبرداری عبارتست از تحصیل متقلبانه مال غیر یا بردن مال غیر از طریق به کاربردن وسایل متقلبانه، هر چند ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری، جرم مذکور را تعریف نکرده است، لیکن رویه قضایی تعریف مذکور را پذیرفته است و در تعاریفی که حقوقدانان هم ارائه داده‌اند تقریباً مفهوم مذکور مورد توافق قرار گرفته است.

این معنا بیشتر بعد از انقلاب فرانسه با تصویب قانون جزای انقلابی در سال ۱۷۹۱ وارد متون حقوقی شده است و الا در حقوق روم باستان واژه (Furtum) به معنای سلب مال غیر، شامل کلاهبرداری، خیانت در امانت، سرقت و حتی جعل بوده^(۴) با تصویب ماده ۳۰۰ قانون جزای عرفی در پنجم جمادی الاولی ۱۳۲۵ هـ ق در ایران که از ماده ۴۰۵ قانون جزای فرانسه الهام گرفته بود، کلاهبرداری با مفهوم امروزی آن وارد حقوق ایران گردیده در سال ۱۳۰۴ ماده ۲۳۸ ق.م.ع جایگزین ماده مذکور شد و در سالهای ۱۳۵۲ و ۱۳۶۲ نیز با اندک تغییراتی وارد قانون مجازات عمومی و قانون مجازات اسلامی

(تعزیرات) گردیده در سال ۱۳۶۷ بر اساس ماده ۱ ق. تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مجازات جرم مذکور تشدید شد و به رغم آن که مقنن در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ فصل یازدهم رابه عنوان (ارتشاء و ربا و کلاهبرداری) اختصاص داده است، هیچگونه حکمی در مورد کلاهبرداری بیان نکرده است که حاکی از تأیید ماده ۱ قانون تشدید است. ارجاع قانونگذار در ماده ۵۹۲ قانون اخیرالذکر به ماده سه قانون تشدید نیز مؤید آن است که نظر بر اجرای قانون تشدید دانسته است.

پس و بررسی ارکان جرم کلاهبرداری:

۱- رکن قانونی: بانوجه به مطالب بالا در حال حاضر مواد ۱ و ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی مستند قانونی برای جرم کلاهبرداری است.

۲- رکن روانی: کلاهبرداری جرم عمدی است و بدون احراز سوءنیت مرتکب، تحقق پیدا نمی‌کند. اولین عنصر رکن روانی آن، قصد به کاربردن وسیله متقلبانه و علم به غیر واقعی بودن وسائل مورد نظر (سوءنیت عام) است و مرتکب در بکاربردن حيله و تقلب و توسل به وسائل متقلبانه قاصد و نسبت به غیر واقعی

بودن آنها (متقلبانه بودن) عالم باشد والا عنصر سوءنیت عام تحقق نخواهد یافت. دومین عنصر رکن روانی قصد بردن مال غیر و علم به تعلق مال مذکور به دیگری است. مرتکب باید در بردن مال غیر یا خارج کردن آن از تصرف مالک یا متصرف قانونی قاصد باشد و بداند آنچه به دست می آورد متعلق به

توسل به حيله و فريب و وسائل و مانورها متقلبانه به منظور اغفال ديگري و تسليم مال توسط او به مرتكب يا شخص مورد نظر وی، دو پایه مهم و عنصر اساسی از عناصر سازنده جرم كلاهبرداری است.

دیگری است.

از نظر اثباتی، تسلیم مال به مرتکب یا ثالث مورد نظر او و عدم استرداد آن حاکی از قصد بردن یا استیلا بر مال موضوع جرم است. از نظر ثبوتی مقدمه تحصیل مال غیر، متقاعد کردن مجنی علیه به این امر است که از مال خود صرف نظر کرده و آنرا به مرتکب یا شخص ثالث تسلیم کند. لذا اغفال مالباخته بر وجود قصد عام مرتکب (قصد به کاربردن وسائل متقلبانه) دلالت دارد و خارج شدن مال از تصرف مالک یا متصرف قانونی گویای وجود قصد خاص (قصد بردن مال غیر) و تظاهر خارجی آن است. تحقق قصد بردن مال غیر اعم از آن است که مرتکب قصد اغفال مجنی علیه در تسلیم مالش به او یا شخص دیگر نداشته باشد و نیز اعم از آن است که مرتکب انگیزه یا داعی شرافتمندانه و غیر شرافتمندانه داشته باشد. لذا لازم نیست علاوه بر آن چه گفته شد، مرتکب قصد سود بردن خود را هم داشته باشد. به عبارت دیگر

ضرر یعنی خارج شدن مال از یک مالک یا متصرف قانونی و قصد ضرر هم همان قصد خارج کردن مال از ید مالباخته است. بنابراین رکن روانی كلاهبرداری را می توان به صورت زیر نمایش داد.

رکن روانی كلاهبرداری:

۱- سوءنیت عام ۲- سوءنیت خاص

سوءنیت عام: الف- قصد بکاربردن وسائل متقلبانه ب- علم به تقلبی (غیر واقعی) بودن وسائل مورد استفاده.

سوءنیت خاص: الف- قصد بردن مال غیر یا خارج کردن مال غیر از ید مالباخته ب- علم به تعلق مال به غیر.

۳- رکن مادی:

رکن مادی اصلی ترین رکن تشکیل دهنده جرم كلاهبرداری است که دارای عناصر متعدد بشرح زیر است:

الف- رفتار مجرمانه

توسل به حيله و فريب و وسائل و مانورها متقلبانه به منظور اغفال ديگري و تسليم مال توسط او به مرتكب يا شخص مورد نظر وی، دو پایه مهم و عنصر اساسی از عناصر سازنده جرم كلاهبرداری است. از بیان مصادیق رفتار مجرمانه که در قانون آمده و در رویه قضایی و دکترین نیز مورد قبول قرار گرفته است، استنباط می شود که مصادیق رفتار كلاهبردار فعل مثبت مادی باید باشد. لذا ترک فعل و سکوت تشکیل دهنده رفتار مجرمانه در جرم كلاهبرداری نمی توانند باشند. حيله و تقلب در كلاهبرداری عبارتست از تظاهرات مادی برای اغفال ديگري. تفاوت اساس تقلب در امور کیفری و مدنی آن است که برای تحقق حيله کیفری تنها فعل مثبت مادی لازم است ولی رفتار مرتکب در حيله مدنی، ترک فعل و سکوت هم می تواند باشد. (۵) از نظر جرم شناسی حيله کیفری به نوعی حاکی از وجود حالت خطرناک در مرتکب آن است. به همین لحاظ مجازات كلاهبرداری شدیدتر از

مجازاتانی است که برای مصادیق حيله مدنی (تدلیس - تطقیف ...) تعیین شده است. چنانچه مقایسه ماده ۱۱۶ و ۲۲۱ قانون تعزیرات ۱۳۶۲ مؤید این ادعاست. لذا همانطور که مفهوم حيله کیفری اخص از مفهوم حيله مدنی است، مصادیق حيله کیفری نیز محدود تر از حيله مدنی است و شامل سکوت و تریک فعل نمی شود. حيله کیفری اقدامی مثبت است برای آنکه به فریب صورت مادی و ملموس دهد تا به امور خلاف واقع و ادعاهای موهوم مرتکب، ظاهری حقیقی و مطابق با واقع بخشد و باعث توهم بزه دیده به حقیقی و واقعی بودن ادعای او گردد. از آنچه قانونگذار در مقررات مربوط به كلاهبرداری به عنوان تقلب مطرح کرده چنین نتیجه می شود که از نظر قانون فعل مجرمانه در كلاهبرداری مثبت مادی است که مورد تأکید رویه قضایی (۶) و دکترین (۷) نیز قرار گرفته است و لذا صرف دروغ تشکیل دهنده رفتار مجرمانه كلاهبرداری نیست.

ب- وسیله

در كلاهبرداری به کاربردن وسیله متقلبانه شرط تحقق جرم است. كلاهبردار باید باتوسل به وسائل مذکور امری را که خلاف

از نظر اصطلاحی كلاهبرداری عبارتست از تحصیل متقلبانه مال غیر یا بردن مال غیر از طریق به کاربردن وسائل متقلبانه

واقع است، واقعی جلوه دهد و اعتماد مجنی علیه را جلب و او را به تسلیم مال خود به مرتکب یا ثالث متقاعد کند. قانونگذار وسائل متقلبانه را تعریف نکرده است. بلکه با ذکر مصادیق مهم و متداول آن، نما و شاکله کلی آنرا تعیین کرده است و تشخیص مصادیق آن زابه عرف محول کرده است که اقتضای

تحولات زمان و مکان در تغییر مصادیق آن شدید و مهم است. توسل به وسائل متقلبه در واقع روش خاصی است که برای استفاده از حيله و تقلب به کار می‌رود و حاکی از آن است که مرتکب قصد اغفال طرف را دارد. روش متقلبه اصطلاح کلی و عامی است که می‌تواند هر نوع نیرنگ و فریبی را شامل شود. باین وجود در صورتی در تحقق کلاهبرداری مؤثر است که اولاً کاربرد آن علت غائی و منحصر به فرد اغفال طرف باشد ثانیاً اجرای آن مقدم بر تحصیل مال غیر باشد. ثالثاً جنبه مادی و عینی به خود گیرد. خصیصه تقلبی بودن وسیله در کلاهبرداری جنبه حصری دارد و منظور از آن، غیر واقعی بودن و خلاف حقیقت بودن است.

کلاهبردار باتوسل به آن، امری را واقعی وانمود می‌کند و مالباخته را به واقعی بودن ادعای خود متقاعد می‌کند. باتوجه به اینکه

**جهل مجنی علیه به متقلبه بودن
وسائل مورد استفاده کلاهبردار
شرط تحقق جرم است و در مقابل
علم او به تقلبی بودن وسائل مذکور
موجب زوال وصف مجرمانه از
عمل مرتکب است.**

احصای وسائل تقلبی نه ممکن و نه مفید و ضروری است، قانونگذار فقط مصادیق مشهور و متداول زمان وضع قانون (سال ۱۳۰۴) را نام برده است و با آوردن عبارت (وسائل تقلبی دیگران) مصادیق جدید را نیز مشمول حکم قرار داده است. وسائل متقلبه پیش بینی شده در قانون دوتنوع است. ۱- وسائل متقلبه معین ۲- وسائل متقلبه نامعین (مانورهای متقلبه) منظور از وسائل متقلبه معین، به کاربرد اسم و عنوان

غیر واقعی در کلاهبرداری ساده و عنوان و سمت مجعول ماموریت از طرف ارگانهای دولتی و قوای سه گانه در کلاهبرداری مشدد است. اختیار هر یک از وسائل متقلبه مذکوره تنهایی و مستقل از هر مانور دیگری برای تحقق جرم، بشرط اغفال و تسلیم مال، کافی است. بدیهی است کاربرد وسائل مذکور نباید به گونه‌ای باشد که خلاف واقع بودن آنها به راحتی قابل تشخیص باشد و هر فرد معمولی به آسانی بی‌اساس بودن آن را درک کند. استعمال وسائل متقلبه معین ممکن است شفاهی یا کتبی باشد که در صورت اخیر عمل مرتکب مشمول مقررات مربوط به تعدد معنوی می‌شود. منظور از وسائل متقلبه نامعین همان مانورهای متقلبه است و قانونگذار بدون ارائه تعریف، مصادیق مشهود مانورهای متقلبه را به نحو تمثیل بیان کرده است و عبارت (وسائل تقلبی دیگر) به همین نوع از وسائل متقلبه مرجوع است. مانور متقلبه ترکیب اعمال خارجی و اسباب چینی همراه با مهارت خاص است که می‌توان آن را حيله ماهرانه نامید و آن اقدامات نمایشی است که به قصد شکل مادی دادن به فریب صورت می‌گیرد تا امور خلاف واقع را ظاهری حقیقی و واقعی بپوشاند. برای تحقق مانور متقلبه نیز اقدامات مثبت لازم است و مجرد دروغ، ترک فعل، سکوت و امتناع از بیان حقیقت کافی نیست. (۸)

عناصر اساسی مانند متقلبه دروغ و اعمال خارجی مؤید آن است که مستلزم علنی بودن مانور است و وجه تمایز آن از وسائل متقلبه معین آن است که مانور متقلبه علت مستقیم و بلافاصله تسلیم مال از طرف مالباخته نیست. بلکه هدف از آن اغفال اوست تا بر اثر آن تسلیم مال صورت گیرد. برای تحقق این هدف مانور متقلبه واسطه مانور و اغفال است. اهداف مذکور در قانون عبارتست از: مغرور کردن به وجود شرکتها یا

تجارخانه ها یا کارخانجات یا مؤسسات موهم، فریفتن به داشتن اموال و اختیارات

**در کلاهبرداری به کاربردن وسیله
متقلبه شرط تحقق جرم است.
کلاهبردار باید باتوسل به وسائل
مذکور امری را که خلاف واقع
است، واقعی جلوه دهد و اعتماد
مجنی علیه
را جلب و او را به تسلیم مال خود به
مرتکب یا ثالث متقاعد کند.**

موهم، امیدوار کردن به امر غیر واقع و ترساندن از حوادث و پیشامدهای غیر واقع، با توجه به توسعه مصادیق مانور متقلبه، اهداف مذکور حصری نیست و به اقتضای تحولات اجتماعی، تغییر و تحول پیدامی‌کند. باین وجود هیچگاه سکوت، صرف وعده دروغی و مبالغه آمیز، تهدید و امانت آنها، مانور متقلبه به حساب نمی‌آیند.

ج - اغفال مجنی علیه (مالباخته)

اغفال مالباخته وجه متمایز کلاهبرداری از سایر جرائم علیه اموال است که ناشی از بکاربردن وسائل متقلبه است. مجنی علیه کلاهبرداری با رضایت به ظاهر واقعی ولی مخدوش و ناشی از حيله و فریب کلاهبردار، مالش را به او یا ثالث تسلیم می‌کند. تازمانی که این تسلیم ناشی از اغفال حاصل از به کاربردن وسائل متقلبه نباشد، جرم تحقق نیافته است لذا جهل مجنی علیه به متقلبه بودن وسائل مورد استفاده کلاهبردار شرط تحقق جرم است و در مقابل علم او به تقلبی بودن وسائل مذکور موجب زوال وصف مجرمانه از عمل مرتکب است. اگر مجنی علیه به رغم علم به غیر واقعی بودن ادعای مرتکب، مال خود را به او تسلیم کند نتایج حاصله و ضرری که به او

وارد شده ناشی از اراده آگاه او و بر اثر غفلت و بی توجهی اش بوده است، نه در اثر اغفال که شرط لازم برای تحقق کلاهبرداری است. عدم تکلیف مالباخته به تحقیق و ارزیابی اعمال مرتکب به این معنا نیست که او به هیچ وجه نباید نسبت به اعمال خود و ماهیت آنچه مرتکب انجام می دهد بی توجه باشد، بلکه باید به نحوی که عرف لازم می داند اقدامات مرتکب را ارزیابی نماید و الا حرجی بر مرتکب نیست. ملاک تحقق اغفال نوع فرد مالباخته است یعنی وسیله مورد استفاده باید به نحوی باشد که افرادی مثل مالباخته رابفریید. خصوصیت و تأثیر وسیله متقلبانه تابع صفات، روحیات و وضعیت اجتماعی مجنی علیه است. آنچه باید مورد بررسی قرار گیرد این است که آیا اعمال کلاهبردار بطور طبیعی موجب اغفال افرادی مثل مجنی علیه می گردد یا خیر؟ نه آنکه اعمال مذکور عامه مردم را گول بزنند. زیر اعامه مردم از نظر درجه احتیاط متفاوتند و این امر به تبع وضعیت و شخصیت هر فرد کم و زیاد می شود. دادگاه باید در سنجش تأثیر وسائل و مانورهای متقلبانه از ضابطه شخصی و در عین حال نوعی استفاده کند. علاوه بر تجربیات، ساده لوحی، خام باوری، زیرکی، پختگی و سایر خصوصیات طرف فریب، نوع افرادی مثل او را هم ارزیابی کند تا بتواند اثربخشی وسائل مذکور را مورد بررسی قرار دهد. به عبارت دیگر این ارزیابی باید به نحوی باشد که نوع مجنی علیه و نه شخصیت انفرادی او مورد ارزیابی قرار گیرد.

د- موضوع

کلاهبرداری جرم علیه اموال است. قانونگذار طبیعت اشیای موضوع کلاهبرداری را به نحو تمثیل بیان کرده است. و در نهایت با استعمال کلمه (مال) موضوع جرم را به اموال منقول و غیر منقول تعمیم داده است. فعل مرتکب کلاهبرداری نیز مقید به روش

خاصی نیست که مستلزم انحصار موضوع به نوع خاصی از مال باشد. هر شیئی که مالیت داشته باشد خواه منقول یا غیر منقول، موضوع جرم کلاهبرداری می تواند باشد و لو تحصیل آن از طریق تحصیل سند و به طور غیر مستقیم باشد. اما با توجه به رویه قضایی و دکترین

کلاهبرداری جرم مقید است و برای تحقق آن باید نتیجه مجرمانه حاصل شود. نتیجه مجرمانه در کلاهبرداری دو جنبه دارد. اول تسلیم مال از طرف مالباخته به کلاهبردار. دوم - تصرف مال تسلیم شده به وسیله کلاهبردار یا ثالث مورد نظر او.

حقوقی، توسعه موضوع به منافع و خدمات ممکن نیست. هر چند از نظر سیاست جنایی قابل بحث است بر اساس صریح قانون ارزش مال تأثیری در ماهیت جرم مذکور ندارد و به هر میزان است که باشد مشمول مقررات کلاهبرداری است، لیکن از نظر تعیین میزان جزای نقدی مؤثر است.

مال موضوع کلاهبرداری باید متعلق به دیگری باشد. خواه رابطه غیر با آن بصورت مالکیت باشد، خواه سایر تصرفات قانونی. لذا منظور از تعلق مال به غیر اعم از تعلق مالکانه یا مبتنی بر تصرفات مأذون از مالک است. لذا مال دیگری خواه از تصرف مالک و خواه از تصرف فردی که بعنوان اجاره، امانت، عاریه و سایر تصرفات قانونی بر آن تسلط دارد، خارج گردد از نظر تحقیق نتیجه مجرمانه بی تفاوت است. در عین اینکه مال باید به دیگری تعلق داشته باشد، اما شناسایی مالک آن توسط کلاهبردار شرط تحقق جرم نیست، بلکه کافی است مال بدون صاحب نبوده از آن کلاهبردار نباشد. تصرف متقلبانه در اموال فاقد مالک خاص مشمول عناوین شرکای عمومی و

مباحات و اموال مجهول المالک می شود که هر کدام دارای حکم خاص خود هستند که همین تصرف متقلبانه در اموال توقیفی مشمول حکم ماده ۶۶۳ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵ می شود.

ه- نتیجه مجرمانه

کلاهبرداری جرم مقید است و برای تحقق آن باید نتیجه مجرمانه حاصل شود. نتیجه مجرمانه در کلاهبرداری دو جنبه دارد. اول تسلیم مال از طرف مالباخته به کلاهبردار. دوم - تصرف مال تسلیم شده به وسیله کلاهبردار یا ثالث مورد نظر او.

اول - تسلیم

برای تحقق کلاهبرداری، کاربرد وسیله متقلبانه باید موجب اغفال طرف گردیده، او را به تسلیم مال خود متقاعد کند. این تسلیم به معنای ضرر اوست. از لحظه ای که مال از تصرف قربانی خارج میشود و لو تسلیم به شخص ثالث صورت گرفته باشد، ضرر تحقق یافته است. آنچه مورد نظر است اینکه قربانی، مال خود را از دست بدهد و لو اینکه به کلاهبردار تسلیم نکند. چنانچه مهم نیست تسلیم توسط قربانی یا نماینده او صورت گیرد و نیز مهم نیست کلاهبردار منتفع شود. ملاک تحقق جرم متضرر شدن مجنی علیه است که با تسلیم مال و با خارج شدن مال از تصرف او تحقق پیدا می کند. منظور از تسلیم متمکن ساختن مرتکب جرم، شرکای جرم یا شخص ثالث مورد نظر آنان در تسلط بر مال مورد تسلیم است.

تسلیم باید ناشی از تلاش قبلی کلاهبردار برای تسلیم مال توسط قربانی باشد و در عین حال مؤخر بر تلاش مرتکب فریب و حيله باید باشد والا اگر فریب پس از تحصیل مال اجراء شود کلاهبرداری نیست.

دوم - تصرف

در مقابل تسلیم که فعل قربانی است، تصرف فعل کلاهبردار یا شخص مورد نظر اوست و با تسلیم در ارتباط نزدیک است. معیار تصرف، عرف است که بنا به موضوع جرم حالات مختلف دارد. از شرایطی که برای

تصرف بیان شده، استنباط می شود که تصرف اختصاص به حقوق عینی دارد. لذا اگر مرتکب باتوسل به وسائل متقلبانه، به تحصیل خدمات و منافع نائل آید، چون فرض تصرف در آنها ممکن نیست، کلاهبردار نیست. این نظر در حقوق ایران جاری است ولی در حقوق انگلیس تحصیل متقلبانه خدمات یا منفعت از مصادیق کلاهبرداری است.^(۹)

رکن مادی تصرف، عملیات مبین تصرف است، مانند نگهداری و استفاده از مال بوسیله متصرف که حسب نوع مال اشکال مختلف دارد. رکن معنوی تصرف اراده و نیت متصرف مبنی بر این است که با اجرای اعمالی که سلطه اورا ظاهر میکند مالک و دارنده عنوان حق عینی شناخته شود. از ظاهر متن قانون چنین استنباط می شود که تحصیل مال و بردن آن دو مرحله جداگانه از فعل مرتکب است. این برداشت غلط ناشی از ترجمه نامناسب ماده ۴۰۵ قانون جزای فرانسه است. زیرا برای تحقق جرم مذکور صرف تسلیم مال از طرف مالباخته یا نماینده او به کلاهبردار یا ثالث کفافی است و بمنزله ضرر اوست لذا امر دیگری جز تسلیم مال لازم نیست. و نباید بین قصد خارج کردن مال از ید مالباخته و قصد تصاحب آن تفکیک قائل شد. قصد تصاحب امری درونی است که توسل به وسائل متقلبانه کاشف از آن است.

و- رابطه سببیت

در جرائم مقید احراز رابطه سببیت بین فعل مجرمانه و نتیجه مجرمانه لازم است. در کلاهبرداری هم لازم است ثابت شود تسلیم ناشی از اغفال و اغفال ناشی از بکاربردن وسائل متقلبانه بوده است. اگر به رغم علم قربانی به کاربردن وسائل متقلبانه توسط مرتکب، مال خود را تسلیم او کند رابطه سببیت منتفی است و تسلیم ناشی از غفلت مالباخته است نه اغفال او. احراز رابطه سببیت مستلزم تقدم رفتار کلاهبردار بر تسلیم مال از طرف مالباخته است بنحوی که هیچگاه رابطه بین فعل قربانی (تسلیم) با فعل کلاهبردار (توسل به وسائل متقلبانه) قطع

نگردد. هرگونه عاملی که این رابطه را قطع کند مانع تحقق جرم است.^(۱۰)

سوم - مجازات

در کلاهبرداری دو نوع مجازات اصلی تعیین شده است و نیز به اعتبار نوع وسیله متقلبانه و ملاحظه شغل مرتکب مجازات تشدید می شود.

۱- مجازات اصلی

الف - کلاهبرداری ساده

به موجب ماده ۱ ق. تشدید، مجازات اصلی کلاهبرداری ساده یک تا هفت سال حبس و جزای نقدی معادل مال مأخوذ است. هر دو مجازات مذکور قطعی اصلی است و دادگاه نمی تواند تنهائی یکی از آنها حکم کند.

ب - کلاهبرداری مشدد

اول به اعتبار نوع عنوان یا سمت مجعول - به موجب قسمت دوم ماده یک قانون تشدید: ... در صورتی که شخص مرتکب برخلاف واقع عنوان یا سمت مأموریت از طرف سازمانها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت یا شرکت های دولتی یا شوراهای شهرداریها یا نهادهای انقلابی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و نهادها و مؤسسات مأموریه خدمات عمومی را اتخاذ کرده باشد... به حبس از دو تا ده سال و انفصال ابد از خدمات دولتی و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است، محکوم می شود... همچنین به موجب آخرین قسمت از ماده یک ق. تشدید... اگر مرتکب از کارکنان دولت یا مؤسسات و یا سازمانهای دولتی یا وابسته به دولت یا شهرداریها یا نهادهای انقلابی و یا به طور کلی از قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمت عمومی باشد... به همان مجازات محکوم می شود.

دوم - به اعتبار نوع وسیله - از نظر نوع وسیله به موجب ماده مذکور هرگاه جرم کلاهبرداری با استفاده از تبلیغ عامه و از طریق رسانه های گروهی از قبیل رادیو، تلویزیون، روزنامه و مجله و یا نطق در گردهمایی ها و یا انتشار آگهی چاپی یا خطی صورت گیرد، مورد

از مصادیق کلاهبرداری مشدد است و مرتکب به مجازات مذکور در بالا محکوم می شود.

۲- مجازات تبعی و تکمیلی

تعیین مجازات تکمیلی باتوجه به مواد ۱۹ و ۲۰ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ به عهده دادگاه است. در خصوص مجازات تبعی نیز مقررات متفرقه در این مورد احکامی دارند. از جمله بند ۳ تبصره ۱ ماده ۱۹ ق.م.ع. محرومیت از حق استخدام دولتی، فرع ۴ از بند ب ماده ۵ قانون نحوه اصلاح کانون وکلای دادگستری مصوب ۷/۱۶/۷۰ انفصال دائم از شغل وکالت، بند ۵ ماده ۲ قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ محرومیت از اشتغال به امر کارشناسی، بند ۴ ماده ۱۲ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۱۳۵۴ محرومیت از اشتغال به سردفتری و دفتریاری، بند ۶ ماده ۲ قانون دلالتان مصوب ۱۳۱۷ محرومیت از پروانه دلالی، بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه شرکت تعاونی مصرف مصوب ۷۱ محرومیت از عضویت در شرکت تعاونی راپیش بینی کرده است که از تفصیل آنها خودداری می کنیم.

پاورقی:

- ۱- کاتبی، حسینی، فرهنگ حقوقی فرانسه، فارسی، انتشارات جهار، تهران ۱۳۳۷.
- ۲- الغاضی، ریاضی، یوسف الحکیم، جاک، شرح قانون المطوبات، القسم الخاص، الجامعة دمشق ۱۴۱۵ ه.ق.
- ۳- عبید، روف، جرائم الاحداث وعلی الاشخاص والاموال، دارالفکر العربی، قاهره، ۱۹۸۵ م.
- ۴- Smith and Hogan, criminal law, Butherworths, London, 1988.
- ۵- حبیب زاده، محمد جعفر - وزیر، ابوالفتح Ledoi Civil, نشریه علمی خبری دانشگاه شام، تابستان ۱۳۷۳ ص ۵۶.
- ۶- بروجردی عبید، محمد، اصول تضایر، کتابفروشی محمدعلی علمی، تهران، ۱۳۴۶ ص ۱۹۷.
- ۷- حائری شاه باغ، علی، شرح قانون مجازات عمومی، به کوشش ایرج مرتجمی، چاپ نقش جهان، ۱۳۳۲ ص ۱۲۲.
- ۸- امین پور، محمدتقی، قانون کیفرمگانی، شرکت سهامی چاپ تهران، ۱۳۳۰ ص ۱۴۶.
- ۹- Jones London, 1988, P.336 adn card, introduction to criminal Law, butterworth, cross.
- ۱۰- حبیب زاده، محمد جعفر، کلاهبرداری در حقوق ایران، انتشارات دانشگاه شام، ۱۳۷۲.